

احبای میلان علیهم بهاء الله البهی ملاحظه نمایند

هوالبهی

ای بزم یارانمز و دوستان جانانمز شمس حقیقت افق احدیتدن طوغدی یر تابان اولدی گوک رخشان اولدی نسیم  
عبرشمیم اسدی مشام روحانیانی گلشن راز ایلدی و گلبن اسرار ایلدی و چمنزار گلزار ایلدی گلر آچلدی بلبلر ترنمه باشلدی  
صحن چمن فیض ذو المنن ایله مزین اولدی و فضای گلستان فیضان ابر نیشان رحمت یزدان ایله غبطه بخشای روضه رضوان  
اولدی گل گولدی بلوط آغلدی کبک قهقهه باشلدی قوشلر شکرانه فضل حقله نغمه و ترانه یه آغاز ایلدی که

بازآمد آن مغنی با چنگ ساز کرده

دروازه بلا را بر عشق باز کرده

بازار یوسفان را از حسن در شکسته

دگان شکران را یک یک فراز کرده

شمشیر بر نهاده سرهای سروران را

وانگاهشان ز معنی بس سرفراز کرده

خود کشته عاشقان را بر خونشان نشسته

وانگاه بر جنازه یک یک نماز کرده

تا حلقه های زلفش حلق کراست روزی

ای ما برون حلقه گردن فراز کرده

بو جام الهی عهد و پیمان رحمانیده ثابت و راسخ اولانلره مخصوصدر ع ع